یادداشت

روی هادجسون- تلگراف

برزیل روی لبه‌ای که اروپا و آفریقا از آن افتادند

تـا اینجای کار جام متعلـق به امریکای جنوبی بوده. تیم‌های اروپایی خـوب نبودند و آفریقایی‌ها هم غیر از غنا حتی صعود نکردند.

توضیحش کمی سـخت است. شـاید به خاطر برگزاری لیگ‌ها و تورنمنت‌های طاقت‌فرسا در اروپا باشـد. شاید هم به این خاطر است که سطح توقع از برخـی بازیکنان آنقدر بـالا رفته که کار را برای خودشـان هم مشـکل می‌کند. با اینکه فشار روی برزیل و آرژانتین از سایر تیم‌ها بیشتر است ولی به نظر می‌رسـد راحت‌تر از عهده‌اش برمی‌آیند. اینکه بخواهـی دلیلی یا مجموعـه دلایلی برای موفقیت یک تیم پیدا کنی شدنی است اما برای ناکامی یک تیم می‌شود هزار و یک دلیل آورد. فرانسه بهترین نمونه است. وقتی از بیرون به این تیم نگاه می‌کنی، هرج و مرج و عدم هماهنگی می‌بینی. اما چه کسی می‌داند که در کمپ چه اتفاقاتی افتاده بود و همه می‌دانسـتند دومنک قبل از شروع جام کارش را از دست داده است.

ناکامی آفریقایی‌ها در این جام باعث شـگفتی بود. با توجه به اینکه جام در آفریقا برگزار می‌شود و بازیکنان آفریقایـی زیادی در اروپا توپ می‌زنند و اتفاقاً بسـیار هم موفق هسـتند، گمان می‌رفت تیم‌های آفریقایی برای همه دردسرسـاز باشند. به نظر می‌رسد انتظارات از این بازیکنان بزرگ بیش از انـدازه بـالا بود چون تقریباً هیچ کدام‌شـان در اندازه‌های واقعی ظاهر نشدند.

در تیم‌هـای امریکای جنوبی جـدا از برزیل و آرژانتین، اروگوئه، شیلی و پاراگوئه هم هستند که نه‌تنها با صعودشـان همه را تحت تاثیر قرار دادند بلکه دفاع مستحکم‌شان هم قابل ستایش بود.

گل زدن بـه برزیـل بسـیار سـخت بـه نظر می‌رسـد. بـه همین خاطـر تیم‌هایی کـه مقابل برزیـل بازی می‌کنند همیشـه در معرض خطرند چراکـه بازیکنانی که جلوتر بـازی می‌کنند آنقدر خوب هستند که دیر یا زود هر تیمی را به مشکل می‌اندازند. نقطه ضعف برزیل همیشه در خط دفاع و دروازه‌بانش بوده که در این دوره بازیکنان دفاعی برزیل بسـیار مسـتحکم به نظر می‌رسند. برزیل بازیکنان بااسـتعداد زیادی دارد که برای بهترین باشـگاه‌ها توپ می‌زنند. در این تیم کار اصلی قرار دادن این بازیکنان در یک قالب مشخص و مجبور کردن‌شان به بازی گروهی است. تیم‌های امریکای جنوبی همه این مشکل را دارند. آنها همیشه بیشتر دوسـت داشـته‌اند به صورت فردی بدرخشند تا گروهی. برزیل در ایـن دوره هم در قالب گروهی خـوب بازی می‌کند و هم بازیکن بااسـتعداد کم نـدارد. یعنی اینکه اگر از من بپرسـید چه تیمی قهرمان خواهد شـد بی‌شـک جوابم برزیل خواهد بود. من مطمئنم که آنها در طول تورنمنت بهتر هم می‌شـوند. آرژانتین هم تیم خوبی نشان داده ولی خط دفاعی‌اش چنگی به دل نمی‌زند. اسـپانیا هم بیش از حد به بازیکنان بارسـا اتکا دارد. آنها فصل سـختی را پشت سر گذاشته‌اند و به نظر نمی‌رسد بتوانند نمایش قابل قبولی داشـته باشند. بنابراین نظر من برزیل اسـت.

کنکاش در دلایل حذف فینالیست‌های دوره قبلی جام جهانی

اتفاقی برای همین نسل

محسن خطیبی

فینـال جام جهانی ۲۰۰۶ با آخرین عکس‌العمل زین‌الدیـن زیدان در قامت یک بازیکن در خاطره‌ها باقی ماند اما پس از چهار سال، هر دو فینالیست آن مسـابقات بار دیگر ثابت کردند می‌توان با توسل به عوامل دیگری هم خاطره‌سازی کرد. فرانسه و ایتالیا ایـن بار با ثبت یک رکـورد تاریخی عجیب و صعود نکردن از گروهشـان در دور مقدماتی به یاد ماندنی شـدند و برای نخستین بار چنین افتخاری را نصیب فینالیسـت‌های دوره قبلی جـام جهانی کردند. این اولیـن بار اسـت که فینالیسـت‌های دوره قبل جام جهانی در دوره بعدی چنین حذف دراماتیک و البته مفتضحانه‌ای را تجربه می‌کنند و به نظر نمی‌رسـد در آینده هم تیم‌هایی پیدا شـوند که بتوانند خللی در رکورد تحقیرآمیز این دو تیم ایجاد کنند و دست به تکرار آن بزنند.

مشکل چه بود

اگرچه هر دو تیـم اندکی قبل از آغاز تورنمنت با مشـکلات متعددی دست به گریبان بودند اما به هر حال نام آنها ایتالیا و فرانسـه بود و کمتر کسی انتظار ثبت چنین نتایج غیرقابل باوری را از سـوی آنها داشت. جالب اینجاست که هر دو آنها به شکلی تقریباً مشـابه حذف شـدند اما دلایل منتج به این حـذف زودهنگام می‌تواند کاملاً متفاوت از یکدیگر باشد. شاید تنها دلیل مشترک در پشت این ناکامی‌ها عـدم وجود سـازماندهی تیمی در بازی‌شـان بود. آشـفتگی فردی و تاکتیکی، مشخصه اصلی حضور کوتاه هر دو آنها در جام نوزدهم بود و البته از همه مهم‌تر مشکلات بی‌شمار روحی و روانی که اثراتش در تک‌تک حرکات به اصطلاح سوپراسـتارهای این تیم‌ها به چشم می‌آمد.

آتزوری رو به غروب

بارها ثابت شـده که در فوتبال صرفاً این نام‌های بزرگ نیستند که باعث پیروزی تیم‌ها می‌شوند، بلکه کیفیت کلی و یکدست بودن آن تیم مهم‌ترین مساله اسـت؛ کیفیتی که محصول کیفیت تک‌تک اعضای آن، تفکرات تاکتیکی و روح مبارزه‌طلبی دمیده‌شده در پیکره تیم خواهد بـود. کیفیت بازیکنانی مانند توتی، دل‌پیرو و نسـتا در روزهای اوج‌شان با قدرت بازیکنانی مانند پپه، مارکیزیو و کریشیتو تحت هیچ شرایطی قابل مقایسه نیست.

ایتالیـا در مدت‌زمـان حضـور کوتاهش در این جام (همانند بازی‌های دوستانه چند وقت اخیرش) از نبـود خلاقیت در خـط هافبک خود رنج می‌برد. پیرلـو به جز ۳۵ دقیقـه نهایی آخرین بازی مرحله گروهی، بقیه بازی‌ها را از دست داد تا ایتالیا با مشکل بازیسـازی از عمق روبه‌رو شود. ضمن آنکه این تیم بـرای اولین بار از سـال ۱۹۹۸ به بعد، جام جهانی را بدون حضور فرانچسـکو توتی تجربه می‌کرد و در غیاب این سـتاره بازیکنی وجود نداشـت که بتواند در عمـق دفاع حریف قرار بگیـرد و از همان‌جا به تغذیه مهاجمان کناری و بازیسـازی بپردازد. ایتالیا در بازی اولش مقابل پاراگوئه با سیستم ۱-۳-۲-۴ بـازی کرد و از مارکیزیو در نقش توتی بازی گرفت اما او به ندرت در جریان بازی قرار داشت و اغلب در شرایطی صاحب توپ شد که فاصله زیادی با دروازه و مهاجمان خودی داشت و به جای دادن پاس‌های عمقی و کلیدی، به دفعات پاس‌های سـاده و کوتاه در عـرض داد. همین نمایش ضعیف، لیپی را وادار کرد تا در نیمه دوم تیمش را با ترکیب ۲-۴-۴ راهی میدان کند و با قرار گرفتن مونتولیوو در مرکز میدان رونـد بازی به نفع ایتالیا عوض شـود تا آنها از یک باخت زودهنگام فرار کنند. در بازی بعدی هم ایتالیا دوباره با همین سیسـتم وارد میدان شـد و این بار مارکیزیو در پسـت هافبک چپ به کار گرفته شد، هرچند عملکرد ناامیدکننده او همچنان ادامه داشت و در نهایت پس از ۶۰ دقیقه حضور در میدان لیپی دسـت به تعویض این بازیکن زد و با این کار رسماً از او چشم پوشید.

همه ضعف‌های ایتالیا البته به نبود کیفیت لازم در میان بازیکنانش خلاصه نمی‌شد. اشتباهات تاکتیکی و استفاده از بازیکنان در نقش‌های نامناسب از سوی لیپی هم در نتیجه نهایی تاثیر بزرگی داشت. استفاده از یاکوئینتـا به عنوان گوش چپ و راسـت در بازی اول و نیمه دوم بازی دوم تصمیم اشـتباهی بود که به مشکلات گلزنی ایتالیا دامن زد. با حضور بازیکنی مانند کوالیارلا روی نیمکت نمی‌توان توجیهی برای استفاده از یاکوئینتا در کناره‌ها پیدا کرد. در بازی دوم هم با توجه به اینکه نیوزیلند با سه مدافع میانی بازی را آغاز کرد، اسـتفاده از سیستم ۲-۴-۴ عملاً جواب نداد تا لیپی با آغاز نیمه دوم با یک تغییر سیسـتم بسـیار خوب بازی را با حالـت ۳-۳-۴ ادامه بدهد، اقدامی که در نهایت به بهبود بازی ایتالیا کمک بسیار خوبی کرد اما شاید این تغییر سیستم کمی دیر اعمال شد. در بازی آخر هم حضور همزمان گتوزو و دروسی در خط میانی بیش از پیش به مشکلات بازیسازی این تیم دامن زد. تمام اینها مشکلات تاکتیکی بودند که مطبوعات و کارشناسـان مختلف ایتالیا پس از پایان هر بازی راجع به آن صحبت کردند و هیچ‌کدام نظر شخصی نویسنده نیست.

شـاید تنها بخـش دلپذیر حضور حـدوداً ۲۸۰ دقیقـه‌ای آتزوری در جام نوزدهم، ۲۰ دقیقه پایانی بازی آخرشـان بود؛ جایی که با حضـور کوالیارلا و دی‌ناتاله در کنار یک مهاجم نوک و بازگشـت پیرلو به میانه میدان، بازی لاجوردی‌پوشـان منسـجم‌تر، بابرنامه‌تر و چشم‌نوازتر به نظر می‌رسید. عدم استفاده از کوالیارلا و دی‌ناتاله از اولین بازی شـاید اشتباهی غیرقابل اغماض بود که لیپی مرتکب شد و بهای آن را هم پرداخت.

تکه‌هایی که روزگاری یک تیم بود...

نتایج بسـیار ضعیف فرانسـه در مرحله انتخابی نویـد حضور یک تیم منسـجم در جام جهانی را به فرانسـوی‌ها نمی‌داد اما احتمـالاً هیچ‌کدام از مردم این کشور هم انتظار ثبت نتایج تا این حد فاجعه‌آمیز را حتی به ذهن‌شـان هم راه نمی‌دادند. تیم آنها در حالی پا به رقابت‌ها گذاشت که فشار افکار و رسانه‌های عمومی تک‌تک اعضای تیم را در مرز تنش‌های عصبی قرار داده بود و دومنک کسـی نبود که بتواند کمکی به شرایط موجود بکند.

در بازی اول، فرانسـه - حداقل از نظر تاکتیکی- بـازی را به درسـتی آغاز کرد. سیسـتم و بازیکنان منتخب، انتخاب‌های قابل قبولی به نظر می‌رسیدند و خنثی شدن تاکتیکی اروگوئه شاداب، گواهی بر این مدعاست اما مشکل اصلی فرانسه نمایش ناامیدکننده و گاه خودخواهانه بازیکنان تهاجمی‌اش بود. ریبری بارها توپ‌های ضعیفی ارسـال کـرد و کنترل توپ گورکف به هیچ‌وجه مناسـب نبود. با در نظر گرفتن این‌گونـه موارد نمی‌توان تصمیمـات دومنک را زیر سـوال برد. فرانسـه خـوب بازی نکرد ولـی به نظر می‌رسـید می‌تواند در ادامه کار با سازماندهی تیمی بهتر، نتایج مطلوبی کسب کند اما برخلاف انتظارات شـرایط در بازی دوم بدتر شد. بازی این تیم مقابل مکزیک را می‌توان به نوعی جدال تیمی سازمان‌یافته و منظم با تیمی از هم‌گسـیخته و نامنظم دانسـت. تاکتیک و سیستم بازی تا حدی می‌تواند نتیجه نهایی را توجیه کند اما زمانی که تک‌تک بازیکنان همانند یک عضو مستقل از جمع عمل کنند و حتی در عین فردیـت نتواننـد بازی فردی خـود را به خوبی اجرا کنند، تاکتیک نمی‌تواند توجیه‌کننده شکست باشد. دومنک به عنوان مربی هیچ نقشـی در تیم فرانسه نداشـت و قطعاً دستوراتش به هیچ عنوان در زمین اجرا نشد. هنگام بازی تیم دارای هیچ‌گونه پیوستگی و سازماندهی نبود. اتفاقات رختکن فرانسه در بین دو نیمه و سپس تصمیمات کادر فنی این تیم به خودی خـود رقابت‌ها را همان‌جا بـرای خروس‌ها به پایان رساند و بازی آخر - به‌رغم شانس صعود فرانسه- به یک بازی تشـریفاتی تبدیل شـد. شاید بزرگ‌ترین مشـکل دومنک، عدم توانایـی در برقراری ارتباط با بازیکنانش بود و شـاید هم مشکل از فدراسیونی بود که با یک اقدام عجولانه و معرفی سرمربی آینده این تیم، همان اندک کاریزمای باقیمانده سرمربی‌اش را هـم به کلی نابود کرد. به هر حال هرچه بود، برآیند این اتفاقات در نهایت منجر به ثبت ماجرایی تازه در تاریخ فوتبال جهان شد. حذف فینالیست‌های دوره گذشـته جام جهانی در مرحلـه گروهی دور بعد را احتمالاً فقط نسل فعلی به یاد خواهد آورد.

یادداشت

یعقوب وطنی

اسلواکی تا همین‌جا شاهکار کرده

هلند؛ یا فینال یا هیچ

برای بررسـی روند کاری تیم‌ها، فکر می‌کنم در نظر گرفتن سـه بازی آنها در جام جهانی کار درسـتی نباشـد. ما اگر به دنبال کیفیت و عملکرد واقعی تیم‌ها هسـتیم، بایـد بازی‌های آنها از مقدماتی جام جهانـی را در نظر گرفته و به یک جمع‌بندی برسـیم.

یکـی از تیم‌هایـی که از بازی‌های مقدماتی عملکرد بسـیار خوبی داشـته و توانسـته موفقیت‌هایش را در این جام هم ادامه بدهد تیم ملی هلند اسـت. این تیـم با فاصله ۱۴ امتیاز توانسـت بـه جام جهانی صعود کند و بـا اقتدار به این رقابت‌هـا راه پیدا کند. در مقابل اسـلواکی هم از تیم‌هایی اسـت که پیشـرفت مداومی در ۱۰ سـال اخیر داشـته. آنها بعد از استقلال کشورشان در رقابت‌های مقدماتی جام جهانی به ترتیب توانسـته‌اند رده‌های چهارم، دوم و سـپس اول را به خود اختصاص دهند. این تیم رقابت‌های مقدماتی را بد شـروع کرد اما خیلی خـوب توانسـت به پایان ببـرد و در بازی‌های اصلی هـم موفقیت‌هایش را ادامه داد. بـه نظـر من بازی آنها مقابل ایتالیا که حکم بازی مرگ و زندگی را داشـت به قدری زیبا و مقتدرانه بود که تا سـال‌ها از ذهن فوتبال‌دوسـتان محو نخواهد شـد. در این بازی به راحتی می‌شد تفاوت‌های میان یک تیم شاداب و سرحال و یک تیم خسـته و بی‌طراوت را مشـاهده کرد. با این حال اسلواکی در این مرحله کار بسـیار سختی را پیش‌رو خواهد داشت و آنها به خوبی مرحله اول نمی‌توانند بـازی کننـد به این دلیل که حریفان‌شـان قدرتمندتر شـده‌اند و در این مرحله تیمی به راحتی امتیاز از دسـت نمی‌دهد. آنها باید در مرحله یک‌هشـتم نهایی بـه مصاف هلندی بروند که به همراه آرژانتین جزء معدود تیم‌هایی هسـتند که با حداکثر امتیاز صعود کرده‌اند.

شـرایط خاص دو تیم از مواردی است که بر جذابیت‌های این بازی می‌افزاید. همچنین تقابل دو سیستم ۱-۳-۲-۴ که اسلواکی با آن بازی می‌کند و ۳-۳-۴ شناور که مختص هلند است از دیگر نکات این بازی خواهد بود. در تیم اسلواکی ویتک با زدن دو گل به ایتالیا از شرایط روحی و وضعیت بسیار مناسبی برخوردار اسـت و بـه همین دلیل می‌تواند یکی از بازیکنـان خطرناک تیمش در مصاف با هلنـد باشـد. بـه غیر از این بازیکن کـه او هم با گلزنی بـه ایتالیا نام خودش را مطرح کرد نمی‌توان بازیکن سرشـناس و سـتاره دیگری را پیدا کرد. استاپر هم یک ذخیره طلایی اسـت که هر لحظه می‌تواند به جمع بازیکنان اسلواکی اضافه شـود و بر روند بازی تاثیر بگذارد.

در تیم ملی هلند با حضور اشـنایدر ضربات ایسـتگاهی معنای جدیدی با این تیـم پیدا کرده . پیش از این وقتـی که یک تیم در زمین خودی مرتکب خطای منجر به ضربه ایسـتگاهی می‌شـد مدافعان و دروازه‌بان آن تیم احسـاس خطر بیشـتری می‌کردنـد اما اکنون هر تیمی که مقابل هلنـد قرار می‌گیرد با ضربات و شـوت‌های محکم و کشـنده اشـنایدر حتی در زمین حریف هم باید از ضربات ایسـتگاهی ترس داشته باشـد. بهترین اتفاقی که برای هلند در این بازی افتاده بازگشـت آرین روبن است . حضور او دست سرمربی هلند را بیشتر باز می‌گذارد. هلند با بردن توپ به کناره‌های زمین و ساختن مثلث‌های عمودی در عمق زمین حریف به دنبال کوچک‌ترین اشـتباه حریف خواهد بود.

هلندی‌ها بعد از ۳۲ سال که از آخرین حضورشان در فینال می‌گذرد با شعار «یا فینال یا هیچ» انگیزه زیادی برای فتح جام دارند و در مقابل همه این داشته‌ها اسلواکی به تیم بدون ستاره اما قدرتمند از لحاظ بدنی خودش می‌نازد. اسلواکی در ترکیب خودش تعداد زیادی بازیکن فیزیکی و قدرتی دارد که در دفاع بسیار محکم و خشـن و در حمله با گام‌های بلند و کشـیده و اسـتارت‌های قوی آماده ضربه زدن به حریف هسـتند.

گل سوم اسلواکی به ایتالیا دقیقاً موید این مطلب است و نشان از قدرت بارز ایـن تیم دارد و دلیل موجهی بر حضور آنها در مرحله یک‌هشـتم نهایی اسـت. هرچند برای نسـل جدید اسـلواکی پس از اسـتقلال این کشـور، حضور در این مرحله یک موفقیت بسـیار بزرگ محسوب می‌شود و شکست مقابل هلند چیزی از ارزش‌های آنها کم نخواهد کرد.

پیشخوان

بازگشت میلان

گاتزتا- ایتالیا: حالا که آتزوری از جام جهانی حذف شـده روزنامه‌های ایتالیـا ترجیح می‌دهند روی تغییرات باشگاه‌های این کشور مانور بیشتری داشته باشند. پس از قطعی شدن حضور آلگری در میلان و معرفی او به عنوان سـرمربی تازه این تیم، گاتزتا تیتر «بازگشـت به پیروزی» را انتخاب کرده و بـا همین چند کلمه از حضـور آلگری در میلان استقبال کرده اسـت. صحبت‌های تازه مارادونا که مثل همیشـه جنجالی بوده نیـز مورد توجه گاتزتا قرار گرفت و به همراه عکسی جالب از سرمربی آرژانتین روی جلد این نشریه رفت. مارادونا در کنفرانس مطبوعاتی پیش از بازی با مکزیک به شدت از بازیکنان بزرگی که می‌خواهند مربی شوند، حمایت کرده بود.

پیروزی تاریخی

سائوپائولو- برزیل: پیروزی اروگوئه مقابل کره جنوبی و رسـیدن این تیم به یک‌چهارم نهایی تنها مردم اروگوئه را به وجد نیاورد. واکنش کشـورهای مختلف امریکای جنوبی به این موفقیت طوری است که می‌توان فهمید یک طلسم شکسته شده است. از جام جهانی ۱۹۷۸ به این طرف، هرگز تیمی از امریکا غیر از آرژانتین و برزیل نتوانسته بود به جمع هشت تیم پایانی برسد و شکسته شدن این طلسم توسط اروگوئه باعث شـد روزنامه برزیلی با تیتر «پیروزی تاریخی» و عکسی از سوارز اهمیت این اتفاق را منعکس کند. اگر اروگوئه بازی‌اش با غنا را ببرد در نیمه‌نهایی باید با یکی از دو تیم هلند یا برزیل روبه‌رو شـود، البته اگر این دو تیم جلوی اسلواکی و شیلی کم نیاورند.

مارادونا، باز هم مارادونا

اوله- آرژانتین: پیش از بازی دیشب با مکزیک روزنامه‌های آرژانتین بار دیگر با عکس‌های مارادونا بسـته شدند؛ سرمربی‌ای که پیش از آغاز تورنمنت خیلی‌ها فکر می‌کردند آبروی دوران بازیگری‌اش را نیز به حراج خواهد گذاشـت، امـا در پایان مرحله گروهی ورق برگشت. روزنامه اوله با چاپ عکسی از مارادونا که پیراهن آرژانتین را با امضای بازیکنانش در دسـت گرفته، به اسـتقبال بازی سرنوشت‌ساز مقابـل مکزیـک رفت. مارادونا اعلام کرده بود هیچ یـک از بازیکنان حاضر در جام جهانی به اندازه مسی و تبس ارزش ندارند و این اظهارنظر حسابی مورد توجه اوله قرار گرفته است.

غرور آفریقا

روزنامه یکشـنبه- فرانسـه: فرانسوی‌ها که جام جهانی به کام‌شـان زهر شده از رسیدن غنا به یک‌چهارم نهایی شگفت‌زده شده‌اند. «غرور آفریقا» تیتری اسـت که روزنامه یکشنبه برای پیروزی غنا مقابل امریکا انتخاب کرد. عکسـی از صحنه شادی آساموا جیان بهترین بازیکن غنایی‌ها نیز روی جلد ایـن روزنامه رفت. در روزهایـی که ناکامی محض تیم ملی فرانسـه، صدای سارکوزی را هم درآورده، تماشای هنرنمایی تیم‌هایی مثل غنا حسرت فرانسوی‌ها را بیشتر کرده است.

عکس روز

درخواست ستاره برنده از ستاره بازنده

تنهـا چنـد لحظـه پس از سـوت پایـان بازی اروگوئه-کـره جنوبی، سـوارز بازیکنـی که پس از زدن گل دوم تیمـش تعویض شـد، بـه زمین بازی برگشـت و رفت طرف کاپیتان حریف که از ناامیدی دسـت به زانو شـده بود.

پارک جی‌سونگ مثل سوارز گلزنی نکرد اما بدون شـک بهترین بازیکن کره بود و یکی از بهترین‌های میدان. سـوارز هم احتمالاً آنقدر از نمایش کاپیتان حریـف خوش‌اش آمده بود که پس از بازی سـریع رفت سـمت او و از پارک خواسـت پیراهن‌شـان را به یادگار عوض کنند. در این عکس سـوارز سـتاره اول می‌خواهد هرچه سریع‌تر پیراهنش را دربیاورد تا جشـن تیمش را از دسـت ندهـد. در عین حال می‌خواهد پیراهن سـتاره کره را داشته باشد. پارک جی‌سـونگ اما هنوز به فرصت‌هایی فکر می‌کند که تیمـش در طـول نیمه دوم از دسـت داد تا فرصت ناب رسـیدن به یک‌چهـارم نهایی از دسـت برود. ایـن احتمـالاً آخرین جـام جهانـی بازیکن خلاق منچسـتریونایتد بود و طبیعی اسـت ناامید باشـد.

گزارش روز

دکو در آرزوی بازگشت به برزیل

سحر دیمکار

در حالی که جام جهانی وارد جذاب‌ترین روزهای خود شده، باشگاه‌های اروپایی به دنبال اهداف خود در بازار نقل و انتقالات هستند؛ بارسا که پیش از شروع جام جهانی با داوید ویا قرارداد بسـت، رئال‌مادریـد به توافق نهایی با دی ماریا نزدیک شـده و اینتـر هم پس از عقد قرارداد بـا رافا بنیتس به دنبال مهره‌های موردنظر سـرمربی اسپانیایی خودش است. در این میان باشگاه چلسی دارد طوری پیش می‌رود که احتمالاً بزرگ‌ترین فروشنده این تابستان لقب خواهد گرفت. پس از قطعی شدن جدایی جو کول از چلسـی و توافق میشـائیل بالاک با لورکوزن، دیروز دکو هافبک ۳۲سـاله پرتغال هم اعلام کرد دوسـت دارد به فوتبال برزیـل برگردد و چه بهتر که آن تیم فلومیننزه باشـد. دکو که برزیلی‌الاصل اسـت، پس از درخشش در پورتو و قهرمانی اروپا با این تیم، به بارسـا رفت و وقتی دوران اوج فوتبالش را سپری کرد؛ به اسـتخدام چلسی درآمد. دکو که در نیم‌فصـل اول فصل گذشـته اغلب در ترکیب اصلی چلسـی به میدان می‌رفت، در دور برگشت بیشـتر نیمکت‌نشین بود و حالا می‌خواهد به برزیل برگردد. چلسی برای اولین بار موفق به ثبت دوگانه در فوتبال انگلیس شد اما به این نتیجه رسیده که برای تداوم موفقیت‌ها باید تغییر نسل بدهد و طبیعی است بازیکنانی مثل بالاک و دکو جزء اولین جداشده‌ها برای آغاز پروژه باشند. بالاک به لورکوزن برمی‌گردد تا خاطرات خوش خود در اوایل دهه حاضر را زنده کند. مسـوولان چلسـی هنوز به اظهارنظر تازه دکو واکنش نشـان نداده‌اند اما هیچ بعید نیست با جدایی این هافبک پرتغالی موافقت کنند. چلسی درحالی مهره‌های تاثیرگذار خود را از دست می‌دهد که هنوز خرید مهمی نداشـته و در فصل اخیر هم نشـان داد جوانان مستعدی در حد پدیده‌های یونایتد و آرسنال ندارد. کارلو آنچلوتی البته کارش را خوب بلد اسـت. او که از دسـت پیرمردهای میلان خیلی عذاب کشـید، این بار در لندن می‌خواهد تا دیر نشده مهره‌های مسن چلسـی را با بازیکنانی جوان عوض کند تا دورنمایی روشـن برای آبراموویچ و تیمش بسازد. به هرحال اگر دکو هم از چلسی جدا شـود، سومین خروجی اسم و رسم‌دار این تیم خواهد شـد. باید ببینیم آبراموویچ در بازار تابسـتان ۲۰۱۰ چند بازیکن و کدام بازیکنان را جـذب خواهد کرد تا قهرمان لیگ جزیره، دچار ضعف نشود.